



هدفمندی در هستی‌شناسی قرآنی و تاثیر آن بر حیات انسانی

برخی از اندیشمندان غربی هستی‌شناسی هدفمند را نفی و کنار نهاده‌اند و می‌توان فقدان هدف برای هستی را یکی از شاخصه‌های هستی‌شناسی مادی دانست، قرآن اما هستی را دارای غایت می‌داند و این مهم حیات بشر را متأثر می‌کند.

برخی از اندیشمندان غربی هستی‌شناسی هدفمند را نفی و کنار نهاده‌اند و می‌توان فقدان هدف برای هستی را یکی از شاخصه‌های هستی‌شناسی مادی دانست، قرآن اما هستی را دارای غایت می‌داند و این مهم حیات بشر را متأثر می‌کند.

بسیاری از فلاسفه دوران جدید آرام آرام هدفمندی جهان را نفی کردند. نقطه آغاز نقد هدفمندی جهان در میان فیلسوفان مدرن را می‌توان هیوم دانست و پس از وی، جان استوارت میل و برتراند راسل نیز به نقد برهان نظم پرداختند. نمونه این نقد را می‌توان در نقد جان استوارت میل، فیلسوف شهیر انگلیسی بر تقریر پیلی از برهان نظم یافت. او با تاکید بر این امر که برهان پیلی مبتنی بر روش تمثیل است، انتقاد خود را مطرح کرد. وی معتقد است استفاده از روش تمثیل تنها در شرایطی مقدور است که بتوان از منظر موضوع مورد بحث شباهتی اساسی بین مثال مطرح شده و شیء مورد بررسی پیدا کرد و اگر شباهت اساسی و مبتنی بر موضوع مورد بحث یافت نشود کارآمد نخواهد بود.

غایت؛ از هستی‌شناسی تا برهان
غایت یکی از علل اربعه ارسطویی است. ارسطو فیلسوف شهیر یونانی معتقد بود که چهار علت مادی، صوری، فاعلی و غایی علی وجود دارند که باید با توجه به آن‌ها به تحلیل جهان پرداخت. شاید بتوان ارسطو را یکی از اولین فیلسوفانی دانست که غایت را با هستی‌شناسی پیوند داد.

هستی‌شناسی جایگاهی اساسی در شکل‌گیری جهان و اندیشه انسانی دارد. اندیشه انسانی خواهی نخواهی بر بنیادهایی هستی‌شناسانه استوار شده است. هرچند فیلسوفان انگلیسی و تحلیلی به نفی چنین علمی پرداخته باشند، اما رویکرد هستی‌شناسانه به عنوان پیش‌فرض‌هایی در خصوص واقعیت نقشی برجسته در ذهن انسان دارد. فردی مومن به خداوند و فردی نامومن نگاه یکسانی به جهان و هستی ندارند. این تفاوت رویکردی هستی‌شناسانه در نسبت با جهان است. اینجا می‌توان تفاوتی میان رویکرد هستی‌شناختی و رویکرد ابزاری به مساله نظم ملاحظه کرد. در رویکرد هستی‌شناختی، مومن همه پدیده‌ها را در یک زمینه نظام‌مند و هدفمند می‌بیند و تحلیل می‌کند که بر اساس اعتقاد به خداوند شکل گرفته است. اما در رویکرد ابزاری ما با ملاحظه هدفمندی به وجود یک ناظم برتر می‌رسیم که همه جهان را براساس نظم آفریده است.

جهان از دیدگاه قرآن
آیات زیادی در قرآن کریم به موضوع غایت پرداخته است که این آیات ناظر بر کل جهان، پدیده‌ها و انسان است. در این آیات مومن مسلمان با جهان‌بینی توحیدی آشنا می‌شود و رویکردی توحیدی به مسائل می‌یابد. خداوند در آیه 38 سوره دخان می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ: و آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم». مضمون این آیه خبر از آن می‌دهد که خلقت آسمان‌ها و زمین دارای هدف بوده است. مجمع‌البیان در تفسیر این آیه می‌نویسد: ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان این پدیده‌های عظیم و گسترده و پر راز و رمز است، همه را براساس حکمت و هدف آفریدیم و نه براساس بازی و بیهودگی و بی‌هدفی و به دور از حکمت و فرزاندگی. علامه طباطبایی معتقد است که این آیه دلالت بر این دارد که این جهان عبث نیست و می‌گوید: اگر فرض کنیم ما ورای این عالم عالم دیگری ثابت و دائم نباشد، بلکه خدای تعالی لا یزال موجوداتی خلق کند، و در آخر معدوم نموده، باز دست به خلقت موجوداتی دیگر بزند، باز همان‌ها را معدوم کند این را زنده کند، و سپس بمیراند، و یکی دیگر را زنده کند، و همین طور الی‌الابد این عمل را تکرار نماید، در کارش بازی‌گر و کارش عبث و بیهوده خواهد بود، و بازی عبث بر خدا محال است، پس عمل او هر چه باشد حق است، و غرض صحیحی به دنبال دارد. در مورد بحث هم ناگزیریم قبول کنیم که در ما ورای این عالم عالم دیگری هست، عالمی باقی و دائمی که تمامی موجودات بدانجا منتقل می‌شوند، و آنچه که در این دنیای فانی و ناپایدار هست مقدمه است، برای انتقال به آن عالم و آن عالم عبارت است از همان زندگی آخرت.

تاثیر هستی‌شناسی قرآنی بر حیات بشر

آیات بسیاری در قرآن مبنی برای این‌که این جهان هدفمند است، وجود دارد و اینکه هدف از این جهان تعالی انسان است و پی بردن به این است که جهان دیگری وجود دارد. اما آنچه مهم است، تاثیر آگاهی به هدفمندی جهان در زندگی انسان است. این نگاه قرآنی باعث می‌شود که کل حیات یک مومن در ذیل آن معنای یابد و فرد خود را در یک نقشه کلی از پیش تعیین شده بیابد.

امروزه بی‌هدفی به یکی از معضلات حیات بشری تبدیل شده است. انسان‌ها به دنبال هدف‌های جزئی هستند و فراموش کرده‌اند که برای چیزی به این جهان آمده‌اند. افق کلی وجود ندارد که انسان زندگی جزئی خود را در ذیل آن بازتعریف و بازشناسی کند.

مومن به جهان هدفمندانه می‌نگرد و خود را رها و بی‌معنا در جهان معاصر نمی‌بیند. جهان پیرامون دارای هدف ارزشمندی خاصی برای انسان می‌یابد. امیدواری، حفاظت از طبیعت و احساس کرامت از نعمت‌های بیکرانی که برای انسان خلق شده است می‌تواند از ویژگی‌های نگاه هدفمند مومن به جهان باشد که منجر به حفظ و حراست از جهان پیرامونش شده و باعث می‌شود تا انسان مایوس نشده و از پس مشکلات بزرگ و کوچک زندگی برآید.